

متن پرسش

سلام علیکم: حضرتعالی در برنامه اخیرتان در شبکه افق، فرمودید امام (ره) متذکر حکمت تشیع در کنار همان خرد خسروانی بود ایرانیان در سیر تاریخی است. به تعبیری امام رویکردی سه‌رودی گونه را در عصر خویش دنبال کرد و چنین وجهی را ایجاد نمود. اگر ممکن است کمی در این باره توضیح دهید و اینکه با مطرح شدن این صحبت حضرتعالی، ممکن است فوری ذهن‌ها به این سمت برود که چگونه امام متذکر حکمت تشیع و خسروانی است و در عین حال مرز گذاری پر رنگی با باستان‌گرایی و روندهایی به این سبک و سیاق دارد و حتی صراحت لهجه‌شان در این زمینه مشهود است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: باستان‌گرایی، نقشه‌ی دشمن بود برای عبور از اسلام. ولی به گفته‌ی آقای شایگان در کتاب «آسیا در برابر غرب» وقتی هر کشور از کشورهای جهان اسلام خود را با غرب بسنجد و رو به غرب داشته باشد از درک درست و مشترک خود با سایر کشورهای اسلامی محروم می‌شود و عملاً موجب فلج‌شدن نیروهای خلاق خود می‌شوند و از نقش برآب‌شدن رؤیاهای قرن نوزدهم غرب غفلت می‌گردد. در حالی‌که فاجعه‌ی جنگ جهانی دوم نه فقط آرزوهای گذشته‌ی آن‌ها را یکسره بر باد داد و ارزش‌های انسانی را نابود کرد، بلکه هیولای نفی هر نوع حقیقتی را به میان آورد، تا آن‌که ما به آن امر آگاه شدیم و به خود آمدمیم که حاصل آن بنیان‌نهادن طرح ولایت فقیه شد و به یک معنا تقدیر ایران با توجه به رسالت تفکری که در آن هست، به عنوان حلقه‌ی رابطه میان آسیای بزرگ و تمدن اسلامی و غرب در حال رقم‌خوردن است. همان‌طور که در گذشته نیز ایران حکم کانونی را داشت که تفکر یونانی و اسلامی و اشراقی را در وحدتی تجزیه‌ناپذیر شکل داد.

یکی از صفات برجسته‌ی فرهنگ ایرانی جنبه‌ی ارتباطی و میانجیگری آن است، به همان صورتی که به دین اسلام روی آوردند و ادب فارسی و اسلام را در سراسر آسیا وسعت دادند. از یک طرف با هند و تمدن‌های بودایی مرتبط باشد - به طوری که بلخ مرکز مهم اشاعه‌ی دین بودا بود - و از طرف دیگر به غرب روی آورد و با دین مهر خود، با مسیحیت به رقابت پرداخت و از طریق "مانویت" به قلب مسیحیت رخنه کرد و آگوستین را تحت تأثیر قرار داد.

انکار اسلام توسط ناسیونالیست‌ها در این سرزمین، انکار چهارده قرن تمدن و تفکر ایرانی است که با پذیرش اسلام و محبت به آل محمد (ص) در تکمیل و تلطیف فرهنگ اسلامی از تمام امکاناتِ نبوغ

قومی خود مدد گرفت، و از طرفی روح ایرانی نیز خواه و ناخواه در قالب تفکر اسلامی شکفت و هنوز هم منشاء اثر است. در حالی که در دوران شیفتگی نسبت به غرب، روح ایرانی گرفتار فلج فکری شد زیرا روح ایرانی فرق جوهری با روح بشر غربی دارد، در حالی که روح ایرانی و اسلامی مکمل یکدیگرند.

موفق باشید